

پاسخ نامه سوالات مهم درس شانزدهم: **کباب غاز** - روان خوانی: **ارمیا**

❖ **قلمرو زبانی:**

۱. همکارها ۲. امانت، قرضی ۳. ارتقا یافتن، رتبه گرفتن ۴. مشورت و نظرخواهی ۵. دک و پوز، به طنز، ظاهر شخص به ویژه سر و صورت ۶. وجنات: چهره، ظاهر ۷. سُ خوردن، از دست دادن کنترل بر اثر برخورد با مانع ۸. معمول و مرسوم - برتر، ممتاز ۹. به دیدار خویشاوندان رفتن و جویای احوال آنان شدن. ۱۰. آدم قد دراز ۱۱. ظلم و ستم - چوپان ۱۲. ناچاری، درماندگی ۱۳. بیهوده و بی معنی ۱۴. کنایه از فقیر و بی چیز. ۱۵. کج ۱۶. مات و خیره شده به کسی ۱۷. شگون، میمنت و مبارکی ۱۸. شوخی و لطیفه - بزم آرا ۱۹. هیزم ۲۰. طعامی که در مهمانی و عروسی می دهند. ۲۱. ادعای چیزی داشتن - بهره ور - پیشانی ۲۲. خوردن. ۲۳. تمام سال، زمان دراز. ۲۴. هر چیزی که جزء اصلی نباشد. ۲۵. آشپزخانه ۲۶. خودداری کردن و سرباز زدن از انجام کاری.

۲. صورت صحیح واژه ها: ارحام * آزرگار * انضمام * بذله * تصنعی * محظوظ * بلامعارض / مبهوت. ب: قدغن پ: عمارت ت: قاب: (بشقاب بزرگ) ث: مثنی ۳. الف: حواس ب: شب ۴. الف: معهود: عهد بسته شده، وعده داده شد ب: بحبوحه: میان و وسط پ: وجنات: ج و جنه / رخساره ها و چهره ها ۵. الف) کل جمله بعد از گفت مفعول است / تخلص ** ب) جمله ها را با توجه به کاربرد «مسند» بررسی کنید. از زواید و از جمله رسوم و عادات (مسند) - متروک (مسند)

❖ **قلمرو ادبی و فکری**

۱. عده بگیر (دعوت کن) - خط بکش (حذف کن) - سماق بکند (انتظار بیهوده کشیدن). ۲. چنین پای می افتد (چنین اتفاق می افتد) و شکم ها را مدت است صابون زده اند (خیلی وقت است که دلشان را خوش کرده اند) که کباب غاز بخورند و ساعت شماری می کنند. ۳. روبه راه شده است (تهیه شده است) ۴. آسمان جل (بی چیز) و بی دست و پا (شلخته) و پخمه (خنک) و تا بخواهی بدریخت و بدقواره (زشت و بد ترکیب) ۵. ماشاء الله هفت قرآن به میان (از من دور) پسر عموی خودت است. هر گلی هست به سر خودت بزن (کنایه: سود و زیان این کار بر عهده خودت باشد). ۶. مشغول تماشا و ورنده از این مخلوق کمیاب و شی عجاب (چیز عجیب) بودم که عیالم هراسان وارد شد. ۷. سر به مُهر (دست نخورده و کامل) ۸. یک غاز دیگر دست و پا کنیم (تهیه کنیم) ۹. پیدا کردن یک دانه غاز در شهر بزرگی مثال تهران کشف آمریکا و شکستن گردن رستم (کار خیلی مشکل) که نیست.



۱۰. می خواهم امروز نشان دهی که چند مرده حلاجی (چقدر توانایی داری)
۱۱. پشت دست داغ کردن: کنایه از توبه کردن، پشیمان شدن
۱۲. از زیر سنگ هم شده (کنایه از به سختی چیزی را یافتن).
۱۳. میهمانی را پس می خواندید (لغو می کردید)
۱۴. اگر ممکن باشد شیوه ای سوار کرد (روش و ترفندی به کار برد)
۱۵. می گویی ای بابا دستم به دامانتان (از شما کمک می خواهم)
۱۶. یکی از حضار که گباه ی شعر و ادب می کشید (ادعایی در شعر و ادب داشت).
۱۷. در اواخر عمر با بنده مألوف بودند و کاسه و کوزه یکی شده بودیم، (خیلی خودمانی)
۱۸. دامنش از دست برود (اراده و اختیارش را از دست بدهد)
۱۹. دیدم توطئه ما دارد می ماسد (طرح و نقشه ما دارد می گیرد)
۲۰. حالا دیگر چانه اش هم گرم شده (کنایه از پرحرفی کردن) و در خوش زبانی و حرافی و شوخی و بذله (مزاح) و لطیفه نوک جمع را چیده (دهان همه را بسته) و متکلم وحده (تنها گوینده) و مجلس آرای بلامعارض (آراینده ی بدون رقیب) شده است.
۲۱. چنان کلکش را کنند (کنایه از نیست و نابود کردن) که گویی هرگز غازی قدم به عالم وجود ننهاده بود! (کنایه از وجد نداشتن).
۲۲. از تماشای این منظره ی هولناک آب به دهانم خشک شده. (کنایه از نهایت حیرت و ترس)
۲۳. یارو (مصطفی) حساب کار را کرده (کنایه از آگاه شدن) بدون آنکه سرسوزنی (کنایه از کمترین) خود را از تک و تا (جنب و جوش) بیندازد، دل به دریا زده (کنایه از جرئت کردن) و به دنبال من از اتاق بیرون آمد.
۲۴. در را بستم و صدای کشیده (سیلی) ای آب نکشیده ای (کنایه: صدادار و آبدار) طنین انداز گردید.
۲۵. گفتم: « خانه خراب (بدبخت) تا حلقوم بلعیده بودی (کنایه از بسیار خوردن)، باز تا چشمت به غاز افتاد ، دین و ایمانت را باختی (کنایه از اینکه، اختیارت را از دست دادی) و به منی که چون تویی را صندوقچه ی سرّ خود (همراز خود) قرار داده بودم، خیانت ورزیدی؟ در بگیر که این ناز شست باشد». (کنایه از پاداش خیلی خوب)
۲۶. داشتم شاخ در می آوردم (به شدت تعجب می کردم)
۲۷. بدون آنکه خم به ابرو بیاورم: (کنایه از ناراحت نشدن)
۲۸. کاه (غذا) از خودمان نیست کاهدان (معهده) که از خودمان است ضرب المثل تمثیل است کنایی: یعنی به فکر سلامتی خود بودن و تعادل در خوردن
۲۹. شستش خبردار شده بود (از موضوع آگاه شد)
۳۰. کدام ویژگی نثر نویسنده، بر تأثیر گذاری داستان او افزوده است؟ طنز (بزرگ نمایی و اغراق / کنایه / زبان عامیانه / و سادگی بیان).



۳۱. منظور از «تخلص» در « من تخلص را از زواید (چیزهای زیادی) و از جمله رسوم و عاداتی می دانم که باید متروک گردد. را بنویسید. نام شاعری

۳۲. نویسنده در داستان «کباب غاز» کدام رفتار فردی و اجتماعی را مورد انتقاد قرار داده است؟ کنترل نکردن رفتار و کردار و زبان و عدم خویشتن داری .

۳۳. از متن درس، مثل متناسب با سروده های سعدی را بیابید.

الف) گله ما را گله از گرگ نیست / کاین همه بیداد شبان می کند : از ماست که بر ماست.

ب) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد: تیری که از شست رفته ، باز نمی گردد.

۳۴. در جمله :مشغول تماشا و ورناداز این مخلوق کمیاب و شیء عجاب بودم .منظور از مخلوق کمیاب کیست؟
مصطفی **

نکته: شیء عجاب: به آیه « إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ » (سوره ص: آیه ۵): تلمیح دارد.

*** پایان ***



در پناه خداوند بزرگ، موفق و سربلند باشید.

